

## اختیارات ضابطان خاص در تفتيش خودرو در پرتو نقد يك رأي

عاطفه عباسی کلیمانی\*

چکیده

نیروهای مقاومت بسیج به عنوان ضابطان خاص علاوه بر کسب حکم قضایی، مکلف به رعایت ضوابط قانونی لازم از جمله دارا بودن کارت ضابطی و گذراندن دوره‌های آموزشی بوده و تنها در شرایطی حق مداخله دارند که ضابطان دیگر در محل حادثه حضور نداشته یا اقدام به موقع ننموده یا از ایشان استمداد کرده باشند. هرگونه تخلف از این ضوابط علاوه بر بیاعتباری گزارش ضابط و ادله تحصیل شده که میتواند به صدور حکم برائت یا قرار منع تعقیب به نفع متهم بیانجامد، موجب مسئولیت کیفری ضابط وفق ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری و مسئولیت مدنی وی براساس مواد ۱۴ و ۲۵۶ به بعد این قانون خواهد بود.

**کلیدواژه‌ها:** بازرگانی، ضابط دادگستری، نیروی مقاومت بسیج، خودرو.

## متن رأی

«پرونده اتهامی آقایان (ع)، (م) و (ح) دایر بر شرکت در حمل و نگهداری یک عدد افشاره فلفلی گاز اشکآور و یک بطری یک لیتری مشروب الکلی خارجی در شعبه ۶۳۳ دادیاری مشهد مطرح گردیده است. بر اساس محتویات پرونده، ضابطان پسیجی در حین گشتزنی به خودرو متهمین مظنون شده و پس از جستجوی خودرو از زیر صندلی جلو سمت شاگرد یک شیشه مشروب الکلی و از درون کولهپشتی یکی از متهمین افشاره خالی فلفل را پیدا می‌کنند. لکن مقام قضایی با توجه به انکار شدید متهمین، نحوه بازرگانی از خودرو و فقدان مجوز قضایی جهت بازرگانی خودرو و عدم احراز مشهودبودن جرم، نحوه تحصیل دلیل ضابطان را سراسر واجد ایراد دانسته و با استناد به تحصیل غیرقانونی دلیل از سوی ایشان نظر بر عدم اعتبار گزارش ضابطان داشته و به دلیل فقدان ادله دیگر در اثبات بزهکاری متهمین و در راستای صیانت و احترام همه‌جانبه به حریم خصوصی شهروندان با استناد به مواد ۳۶، ۷، ۲۴ و ۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری و مواد ۱۲۰ و ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی و بر مبنای اصل ۳۶ قانون اساسی قرار منع تعقیب متهمان را صادر نموده است.»

## شرح و تحلیل موضوع

یکی از موضوعاتی که در سال‌های مختلف محل نزاع تعیین حدود حریم خصوصی و حوزه اختیارات ضابطان دادگستری بوده، بازرگانی و تفتیش خودرو است. جهت بررسی ابعاد شکلی و ماهوی قرار فوق ضروری است مفهوم ضابط دادگستری، جایگاه نیروهای مقاومت بسیج در این میان، وظایف و اختیارات ضابطان در قبال شاکی، متهم و مقام قضایی به ویژه در بازرگانی خودرو تشریح گردد و سپس بر اساس قوانین موجود قرار صادره مورد ارزیابی و تحلیل قرار گیرد.

### ۱. ضابط دادگستری کیست؟

ضابطین دادگستری وفق ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعليمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و گردآوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، به موجب قانون اقدام می‌کنند. ریاست بر ایشان طبق ماده ۳۲ قانون مزبور بر عهده دادستان هر حوزه قضایی است و به ضابطین عام و خاص قابل تقسیم هستند.

ضابطین عام به مأمورانی گفته می‌شود که حق مداخله در تمامی جرایم را داشته و می‌توانند کلیه اختیارات و وظایفی که طبق ماده ۲۹ بر عهده ضابطین

گذاشته شده را انجام دهنده و شامل فرماندهان، افسران و درجه‌داران آموزش دیده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران می‌باشند. اهم وظایف ایشان در بند ۸ ماده ۴ قانون نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹ دایر بر مبارزه با مواد مخدر، قاچاق کالا و منکرات و فساد، پیشگیری از وقوع جرم، کشف جرائم، بازرسی و تحقیق، حفظ آثار و دلایل جرم، دستگیری متهمان و جلوگیری از فرار و مخفی شدن آنان و اجرا و ابلاغ احکام قضائی تعیین شده است.

ضابطین خاص طبق بند (ب) ماده ۲۹ همین قانون شامل مقامات و مأمورانی است که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده، ضابط دادگستری محسوب می‌شوند و از جمله آنها می‌توان به افراد ذیل اشاره نمود:

- ✓ رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان؛
- ✓ مأموران وزارت اطلاعات؛
- ✓ مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛
- ✓ سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود؛
- ✓ مأمورین محیط زیست در ارتباط با جرائم زیست محیطی، مأمورین جنگلبانی در ارتباط با جرایم مربوط به حفاظت از جنگل، کاپیتان هواپیما در ارتباط با جرایمی که در هواپیما رخ می‌دهد و...

جهت احراز عنوان ضابط دادگستری، اجتماع شرایط ذیل با توجه به ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری ضروری است:

۱. وثاقت و مورد اعتماد بودن؛

۲. فraigیری مهارت‌های لازم جهت ایفاده وظایف قانونی؛

۳. گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضائی مربوط؛

۴. تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری.

اعتبار گزارش ضابط وفق ماده ۳۶ قانون مجبور منوط به آن است که آن گزارش خلاف اوضاع و احوال مسلم قضیه نبوده و بر اساس ضوابط و مقررات قانونی که در ادامه، ذیل اختیارات و وظایف ضابطان ذکر می‌گردد، تهیه شده باشد؛ لذا اصل بر مورد تأیید و پذیرش بودن گزارش ضابط از سوی مقام قضائی نیست و

شرایط مندرج در این ماده باید جهت قابل قبول بودن و معتبر دانستن گزارش مزبور احراز شود. در غیر این صورت گزارش، بیاعتبار تلقی شده و مبنای صدور حکم قرار نمی‌گیرد. گفتنی است بر اساس تبصره ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی، گزارش ضابط که براساس ماده فوق تنظیم یافته می‌تواند مستند علم قضی باشد.

## ۲. نقش و جایگاه نیروهای مقاومت بسیج در فرآیند دادرسی منصفانه

همان گونه که پیشتر نیز در بند (ب) ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری مورد اشاره قرار گرفت نیروهای مقاومت بسیج به عنوان ضابط خاص دادگستری تعیین شده‌اند.

وفق ماده ۱ قانون حمایت قضایی از بسیج مصوب ۱۳۷۱، نیروهای مقاومت بسیج مجاز هستند همانند ضابط دادگستری در صورت اجتماع شرایط ذیل اقدام کنند:

- نخست؛ جرم مشهود باشد و دوم؛ ضابطین دیگر حضور نداشته یا اقدام به موقعی از سوی آنها صورت نپذیرد یا اعلام نیاز به همکاری نیروهای مزبور نمایند.
- در این صورت نیروهای مقاومت بسیج به منظور جلوگیری از امحای آثار جرم و فرار متهم و تهیه و ارسال گزارش به مقام قضایی وارد عمل خواهد شد.

تا پیش از سال ۱۳۹۴ بر اساس تبصره ۳ ماده ۱ این قانون، ضابط بسیجی دارای مجوزی بود که در ازای آموزش‌های لازم به وی داده می‌شد و مکلف بود مجوز مخصوص خود را در صورت مطالبه ارائه کند.

در سال ۱۳۹۴ و با تصویب قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، تغییراتی در حکم اخیر ایجاد شد. بر اساس تبصره ۲ ماده ۱۷ قانون مزبور، ستاد امر به معروف و نهی از منکر با همکاری نیروی مقاومت بسیج برای اجرای مرتبه عملی امر به معروف و نهی از منکر موضوع ماده ۴ این قانون، دوره آموزش تربیتی ضابط امر به معروف و نهی از منکر برگزار می‌کند.

لازم به توضیح است که بر اساس ماده ۴ قانون مزبور مراتب امر به معروف و نهی از منکر چهار مرتبه بوده و مشمول امر به معروف و نهی از منکر قلبی، زبانی، نوشتاری و عملی است. سه مورد نخست از وظایف آحاد مردم و دولت بوده لیکن امر به معروف و نهی از منکر عملی تنها وظیفه دولت می‌باشد.

از طرف دیگر وفق ماده ۱۷ این قانون، سازمان بسیج موظف است با به کارگیری آحاد بسیجیان در چارچوب قوانین از جمله قانون آیین دادرسی کیفری و قانون حمایت قضایی از بسیج، در راستای فرهنگ‌سازی و اجرای امر به معروف و نهی از منکر در قالب زبانی اقدام کند و البته این حکم نافی ضابط قضایی بودن بسیجیان نیست.

درنتیجه با توجه به جمیع احکام قانونی فوق، نیروی مقاومت بسیج می‌تواند در قالب ضابط دادگستری و ضابط امر به معروف و نهی از منکر با رعایت شرایط قانونی اقدام نماید.

این افراد جهت احراز عنوان ضابط دادگستری نیازمند گذراندن دوره‌های آموزش لازم، کسب کارت ویژه ضابطان و وثاقت بوده و تنها در جرایم مشهود، آن هم به شرط عدم حضور سایر ضابطان، عدم ورود به موقع ایشان یا استمداد، حق مداخله مستقیم دارند. همچنین در مقام ضابط امر به معروف و نهی از منکر نیز پس از گذراندن دوره‌های آموزشی لازم برای امر به معروف و نهی از منکر، مشغول فعالیت شده و این امر به معنای ضابط بودن ایشان در حوزه دادرسی کیفری نمی‌باشد.

### ۳. وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری

وظایف و اختیارات ضابطان را بنابر مخاطب و موضوع می‌توان در سه حوزه وظایف ایشان در قبال مقام قضایی، شاکی و متهم تقسیم‌بندی نمود.

وفق ماده ۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری، انجام دستورهای کتبی و صريح مقام قضایی در اسرع وقت و در بازه زمانی که برای آن تعیین شده، نخستین وظیفه ضابط در قبال مقام قضایی است. در موارد فوری که صدور دستور کتبی مقدور نیست و دستور به صورت شفاهی صادر می‌شود ضابط باید ضمن انجام دستورها و درج مراتب و اقدامات مربوط در صورت مجلس، در اسرع وقت و حداقل ظرف ۲۴ ساعت آن را به امضای مقام قضایی برساند و در صورت عدم اجرای دستور یا نیاز به تکمیل پرونده، باید گزارش موضوع را به همراه ذکر علت به مقام قضایی ارسال کند.

وفق مواد ۳۷ تا ۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری اهم وظایف و اختیارات ضابط در قبال شاکی به شرح ذیل است:

- قبول شکایت کتبی یا شفاهی در تمام ساعات شبانه‌روز؛
- درج شکایت شفاهی در صورت مجلس با اخذ امضای شاکی و نیز انعکاس عدم امکان امضا به علت بی‌سوادی وی؛
- تحويل رسید به شاکی پس از دریافت شکایت؛
- ارسال فوری شکایت نزد دادستان؛
- آگاهسازی شاکی از حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی؛
- ثبت اظهارات شاکی در خصوص ضرر و زیان وارد؛
- عدم افشاءی اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزهده‌یده جز در مواردی که قانون معین می‌کند؛ و
- عدم تحميل هزینه‌های ناشی از انجام وظایف ضابطان نسبت به کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی و یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی‌شدن متهم، دستگیری وی، حمایت از بزهده‌یده و خانواده او در برابر تهدیدات، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی تحت هر عنوان بر بزهده‌یده.

در نهایت اهم وظایف و اختیارات ضابط در قبال متهم که در مواد ۴۱ تا ۶۲ قانون آیین دادرسی کیفری درج شده به شرح ذیل است:

- بازجویی و تحقیق از زنان و افراد نابالغ حتی‌الامکان توسط ضابطان آموزش‌دیده زن و با رعایت موازین شرعی؛
- انجام تحقیقات لازم در موارد تردید در قرائن و امارات مربوط به وقوع جرم یا عدم وثوق منبع اطلاعات ایشان پیش از اطلاع به دادستان؛
- انجام کلیه اقدامات لازم برای حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی‌شدن متهم و یا تبانی در جرایم مشهود مندرج در ماده ۴۵ قانون و انعکاس نتایج به دست آمده به دادستان؛
- انعکاس فوری نتیجه اقدامات به دادستان در جرایم مشهود؛
- بازداشت متهمی که قرایین و امارات قوى دال بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی وجود دارد در قالب تحت نظر تا ۲۴ ساعت البته با تفهیم و ابلاغ فوری موضوع اتهام و ادله مربوط به وی؛

- اعلام کلیه مشخصات سجلی، شغل، نشانی و علت تحت نظر قرار گرفتن متهم به دادسرای محل از طرق قانونی؛
- ارائه نتیجه تحقیقات به دادستان یا بازپرس پس از حضور وی در صحنه جرم و عدم مداخله مجدد جز با دستور قضایی؛
- اعلام گزارش به دادستان به محض اطلاع از وقوع جرم غیرمشهود به دادستان جهت کسب تکلیف و اخذ دستورهای لازم؛
- ورود به منازل، اماكن تعطیل و بسته و تفتیش آنها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرائم غیر مشهود با اجازه موردي مقام قضایی؛
- ارائه اوراق هویت و ضابط بودن خود و اصل دستور قضایی به متصرف محل مورد تفتیش و درج این اقدام در صورت مجلس؛
- خودداری از بازرسی اشخاص، اشیاء و مکان‌های غیر مرتبط با موضوع؛
- اعلام ادلہ، اسباب و آثار جرم دیگری که تهدیدکننده امنیت و آسایش عمومی جامعه بوده و در حین انجام تحقیقات به دست آمده به مقام قضایی و اقدام وفق دستور وی؛
- اخذ نام، نشانی، شماره تلفن و سایر مشخصات شاهد یا مطلعی در صحنه وقوع جرم حضور دارد؛
- اجرای دستورات دادستان دایر بر تکمیل تحقیقات ناقص؛
- مساعدت با شخص تحتنظر جهت آگاهسازی افراد خانواده یا آشنایان او به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن جز در موارد مصرح در حکم قضایی؛
- تفهیم مكتوب حقوق متهم مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری به همراه دریافت رسید از وی؛
- قید اظهارات شخص تحت نظر، علت تحت نظر بودن، تاریخ و ساعت آغاز آن، مدت بازجویی، مدت استراحت بین دو بازجویی و تاریخ و ساعتی که شخص نزد قاضی معرفی شده در صورت مجلس به همراه امضای آن توسط متهم؛
- عدم اجاره یا اکراه متهم، استفاده از کلمات موهن، طرح سؤالات تلقینی یا اغفال‌کننده و سؤالات خارج از موضوع اتهام.

گفتنی است اخذ تأمین از متهم در حوزه اختیارات ضابط نمی‌باشد.

#### ۴. اصول ناظر بر گردآوری ادله از سوی ضابطان دادگستری

همان‌گونه که پیشتر آمد یکی از موارد مهم مداخله ضابطین دادگستری، اقدام به کشف و گردآوری ادله له و علیه متهم است که دامنه این مداخله حسب مورد در جرایم مشهود و غیرمشهود متفاوت می‌باشد. ادامه این نوشتار به بررسی این موضوع و اصول حاکم بر آن می‌پردازد.

ماهیت امور کیفری به گونه‌ای است که احتمال پیش‌بینی تحقق وقایع مجرمانه از قبل وجود نداشته و برخلاف امور حقوقی، امکان گردآوری ادله اثباتی پیش از اقامه دعوا کیفری ناممکن است.<sup>۱</sup> از سوی دیگر در دعاوی کیفری گردآوری ادله بر عهده دستگاه قضایی است. به واقع «عدم پذیرش این روش یعنی منع تحصیل دلیل در امور کیفری، مبارزه مؤثر علیه بزهکاری را با مشکل مواجه می‌کند چنانی است که در دعاوی کیفری اصل تحصیل آزادانه دلیل پذیرفته شده است».<sup>۲</sup>

بر این اساس در امور کیفری، ادله اثبات احصا نشده و دادرس هر دلیلی را که منتهی به اقناع وجدانی وی بر وقوع جرم یا بی‌گناهی متهم شود، گردآوری نموده و در این امر تفاوتی میان شرایط به نفع یا ضرر متهم وجود ندارد. بخشنامه شماره ۵۶۳۱۳ مورخ ۱۲/۶/۶۲ نیز مؤید این امر است که هرچند در برخی جرائم طبق قانون، ادله اثبات دعوا ذکر شده لکن قاضی برای حصول یقین و قطع از هیچ نوع تحقیقی که موجب تحصیل علم گردد منع نشده است. هم اینک بر اساس ماده ۳۶۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، دادگاه می‌تواند علاوه بر رسیدگی به ادله مندرج در کیفرخواست یا ادله مورد استناد طرفین، هرگونه تحقیق یا اقدامی که برای کشف حقیقت لازم است را با قید جهت ضرورت آن انجام دهد.<sup>۳</sup>

آزادی تحصیل دلیل مشتمل بر آزادی شخص تحصیل‌کننده دلیل در استفاده از هرگونه وسایل و روش قانونی در کسب دلیل و آزادی در پذیرش ادله از سوی

۱. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، انتشارات شهر دانش، چاپ چهارم، ص ۴۰۴.

۲. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد ۱، چاپ اول، انتشارات سمت، ۱۳۷۵، ص ۲۵۶.

۳. عباسی، عاطفه، بار اثبات دعوا کیفری، چاپ اول، انتشارات مجده، ۱۳۹۴، ص ۴۶.

دادرس می‌باشد. لذا نوع دلیل و روش تحصیل آن بر افراد تحمل نمی‌شود؛ لکن چارچوب‌های قانونی تحصیل دلیل باید موافق قانون باشد که این امر با اصل قانونی یا مشروع بودن روش تحصیل دلیل تکمیل می‌شود.<sup>۱</sup>

در راستای این امر از یک سو معیارهای اعتبار دلایل و ارزش اثباتی آنها از سوی قانونگذار مشخص شود تا افراد ذی‌نفع از تحصیل و ارائه دلایلی که فاقد ارزش قضایی است اجتناب کنند و از سوی دیگر شیوه‌های مذموم و ناپسند تحصیل دلیل همچون به کارگیری شکنجه یا مداخله خودسرانه در حریم خصوصی افراد معرفی می‌شود تا از توصل به روش‌های غیرقانونی در تحصیل و ارائه دلیل خودداری شود. استفاده از روش‌های غیرقانونی نه تنها باید به بی‌اعتباری دلیل بیانجامد حتی بعضًا می‌تواند کل فرآیند دادرسی را نیز به مخاطره می‌اندازد. درنتیجه رعایت کرامت انسانی، حقوق بشر و به ویژه شخصیت طرفین دادرسی و رعایت حق دادخواهی و دفاع ایشان باید به منظور تضمین دادرسی منصفانه مدنظر قرار گیرد. با توجه به اصول برائت و آزادی دلیل، رعایت صحت، امانت و مشروعيت، گام بعدی در تحصیل دلیل است که موجب تعادل میان تکاليف جامعه و حقوق متهم می‌گردد.

علاوه بر مقام قضایی، ضابطین دادگستری نیز باید روش‌های انسانی و قانونی را در تحصیل دلیل به کار گیرند.

گرداوری ادله بر اساس روش‌های صحیح و هماهنگ با ارزش‌های اخلاقی و عدم اعمال رفتارهای غیرانسانی و تحقیر کننده، ضرورتی انکارناپذیر است. بر این اساس روش‌هایی مانند آزمایش اوردالی، دوئل و شکنجه برای اخذ اقرار و... و هر روش دیگری که مغایر با شرافت انسانی باشد مانند تحریک پلیس، شنود غیرقانونی مکالمات تلفنی و...، غیر قابل قبول است.

اعمال خشونت در قالب تمامی اشکال آن اعم از جسمی یا روانی در مراحل تحقیق و گرداوری ادله به طور مطلق ممنوع بوده و این ممنوعیت علاوه بر اینکه مشمول مجریان دستگاه عدالت می‌شود شامل اصحاب دعوی نیز می‌گردد و آنها را

---

۱. آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ سوم، انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص. ۹۵، ۱۳۷۵

نیز موظف می‌نماید در زمان تحصیل ادله به نفع خود و علیه دیگری از توسل به زور و خشونت پرهیز نمایند.

به موجب ماده ۵ اعلامیه جهانی بشر و شهروند، هیچ کس را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات و یا رفتاری قرار داد که ظالمانه و یا برخلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد. دیوان اروپایی حقوق بشر نیز، مقامات قضایی و مجریان دستگاه عدالت را از توسل به اجبار و خشونت به منظور تحصیل عناصر اثباتی جرم ممنوع نموده است.

در قانون اساسی کشورمان نیز اعمال هرگونه شکنجه و اذیت و آزار برای کسب خبر و اطلاع یا حتی اقرار متهم ممنوع شده و اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند قانوناً مجاز نبوده و اعتباری ندارد.

اصل ۳۸ قانون اساسی در این خصوص مقرر می‌دارد: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود.»

بر اساس ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، هریک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیرقضایی دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید، علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد، فقط دستوردهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند مباشر، مجازات قاتل و آمر، مجازات آمر قتل را خواهد داشت.

علاوه بر این احترام به حریم خصوصی زندگی افراد به ویژه در عصر فناوری‌های مدرن، متضمن رعایت حریم مسکن و خودرو و محرمانه نگاه داشتن مکاتبات و سایر اجزای زندگی می‌باشد که در ادامه محدوده و نحوه بازرگانی آن، بررسی خواهد شد.

## ۵. حریم خصوصی و بازرگانی آن

حریم خصوصی<sup>۱</sup> به معنی دور ماندن از دید جامعه، زندگی خصوصی، خلوت،

آرامش و آسایش بوده و ناظر بر حق هر انسان برای رهایی از دخالت‌های بی‌مورد سایرین (اعم از دولتی و غیر آن) در اموری است که مداخله ایشان ضرورتی نداشته و تجاوز به این حریم به مفهوم تلاش برای به دست آوردن اطلاعات شخصی است؛ لذا حریم خصوصی را می‌توان محدوده‌ای از زندگی افراد دانست که به عموم مردم ارتباطی ندارد و به وسیله قانون و عرف تعیین شده است.<sup>۱</sup> این مفهوم، مشتمل بر ابعاد فیزیکی، روانی، اجتماعی و اطلاعاتی می‌باشد.<sup>۲</sup>

منظور از بعد فیزیکی حریم خصوصی، مکان قابل دیدی است که بدن انسان را احاطه کرده و فضای مزبور منطقه‌ای حفاظت شده برای فرد تلقی می‌گردد و مشتمل بر مواردی همچون حفظ فاصله شخصی، پوشیدگی و لمس بدن است.

حریم خصوصی روحی - روانی، به توانایی انسان برای شکل دادن به ارزش‌ها و نیز روابط وی با دیگران و تقسیم افکار و اطلاعات خصوصی خود با سایرین اشاره دارد.<sup>۳</sup>

بعد اجتماعی حریم خصوصی شامل تلاش افراد برای کنترل تماس‌های اجتماعی آنهاست. تلاش برای گمنامی، خلوت و گوشه‌گیری در جامعه با هدف حفظ حریم مزبور انجام می‌پذیرد.<sup>۴</sup>

وجه اطلاعاتی حریم خصوصی که ارتباط زیادی با محترمانه ماندن اطلاعات شخصی دارد مشتمل بر حق افراد در تعیین چگونگی، زمان و مکان ارائه اطلاعات خود به دیگران اعم از اشخاص، سازمان‌ها و تشکیلات است. این بعد ناظر بر حفظ حق افراد به عدم انتشار اطلاعات خصوصی ایشان می‌باشد.<sup>۵</sup>

تصویب زندگی خصوصی متهم که مشتمل بر تمامی ابعاد فوق است، باید مورد توجه جدی مقامات قضایی و ضابطان دادگستری قرار گیرد؛ چراکه هرگونه بی‌دقیقی در گردآوری ادله و کشف جرم، زمینه تضییع حقوق متهم را فراهم می‌کند. استفاده از علوم انگشت‌نگاری، اسلحه‌شناسی، حشره‌شناسی جنایی،

---

1. Wild, Susan Ellis, Webster's New World Dictionary, law dictionary, Wiley publishing, New York: 2006 , p207.

2. A declaration on the promotion of patients' rights in Europe. WHO, Regional Office for Europe, Kluwer Law International, The Hague; 1994.

3. Burgoon J. Privacy and communication. Communication Yearbook. 1982, p249.

4. Barkay A, Tabak N. Elderly residents' participation and autonomy within a geriatric ward in a public institution. Int J Nurs Pract. 2002, p198-209.

5.Collectte J. Role demands, privacy and psychological well-being. Int J Soc Psychiatry. 1984, p 222.

تشخیص هویت ژنتیکی و استفاده از کامپیوتر جهت گردآوری ادله باید همراه با رعایت حقوق دفاعی متهم بوده و استفاده از روش‌های غیراخلاقی مانند استفاده از ضبط صوت مخفی، به کارگیری وسایل بصری منتقل‌کننده تصویر و... خلاف حقوق بشر و عدالت کیفری است.

به موجب ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروند، در زندگی خصوصی و خانوادگی و اقامتگاه و یا مکاتبات هیچ‌کس بدون مجوز قانونی نمی‌توان مداخله کرد یا اقدامی مخالف شرافت و شهرت او نمود. هرکس در مقابل این گونه مداخلات و اقدامات از طرف قانون حمایت خواهد شد. در ماده هشتم قرارداد اروپایی حقوق بشر نیز آمده که در زندگی خصوصی و اقامتگاه و یا مکاتبات هیچ‌کس بدون مجوز قانونی نمی‌توان مداخله کرد یا اقدامی مخالف شرافت و شهرت او نمود.

در قانون اساسی ایران به این امر توجه شده به نحوی که در اصل بیست و دوم، حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند. در قالب ماده ۶۹۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ نیز هرکس در منزل یا مسکن دیگری به عنف یا تهدید وارد شود به مجازات از شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و در صورتی که مرتكبین دو نفر یا بیشتر بوده و لاقل یکی از آنها حامل سلاح باشد به حبس از یک تا شش سال محکوم می‌شوند.

علاوه بر حمایت از محرومگی مکاتبات و مراسلات، در راستای حفظ حریم خصوصی متهم، شاکی و سایر افراد مرتبط با پرونده، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ضوابطی را در خصوص تفتیش و بازرگانی که به معنای بررسی صحنه جرم با هدف کشف کیفیت وقوع جرم، آلات و ابزار استفاده شده برای تحقیق جرم، آثار و بقایای جرم، دلائل موجود در محل و احیاناً دستگیری متهم می‌باشد، پیش‌بینی نموده که به برخی از آنها که بیشتر ناظر بر بازرگانی اماکن و اشیا هستند اشاره می‌گردد.

تحسنت آنکه بر اساس ماده ۱۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تفتیش و بازرگانی منازل، اماکن بسته و تعطیل و همچنین تفتیش و بازرگانی اشیاء

در مواردی که حسب قرائن و امارات منوط به وجود ظن قوى به حضور متهم يا کشف اسباب، آلات و ادله وقوع جرم در آن وجود دارد، با دستور بازپرس و با قيد جهات ظن قوى در پرونده، انجام مى شود.

تفتیش و بازرسی منزل مطابق ماده ۱۴۰ همان قانون، در روز به عمل مى آيد و در صورتی هنگام شب انجام مى شود که ضرورت اقتضاء کند. در این صورت بازپرس دلایل ضرورت را احراز و در صورت جلسه قید مى کند و در صورت امكان، خود در محل حضور مى يابد.

وفق ماده ۱۴۱ قانون فوق، دستور مقام قضائي برای ورود به اماكن صدرالذکر، تحت هر عنوان باید موردي و با ذکر جزئيات باشد و موضوع مورد تفتیش، زمان، دفعات ورود، اموال، اماكن و نشانی آنها به صراحة مشخص شود. ضابطان مکلفاند ضمن رعایت دستورهای مقام قضائي، کیفیت تفتیش و بازرسی و نتیجه را در صورت جلسه تنظیم کرده، آن را به امضاء يا اثر انگشت متصرف برسانند و مرائب را حداکثر ظرف بيست و چهار ساعت به مقام قضائي اعلام کنند.

قانون فوق الذکر در ماده ۱۴۲ مقرر مى دارد که تفتیش و بازرسی منزل يا محل سکنای افراد در حضور متصرف يا ارشد حاضران و در صورت ضرورت با حضور شهود تحقیق، ضمن رعایت موازین شرعی و قانونی، حفظ نظم محل مورد بازرسی و مراعات حرمت متصرفان و ساکنان و مجاوران آن به عمل مى آيد. در صورتی که مورد بازرسی خالی از سکنه بوده و به بازرسی فوري نياز باشد، در غياب متصرفان و ساکنان محل، با حضور دو نفر از اهل محل بازرسی به عمل آمده و مرائب فوريت در صورت جلسه قيد مى شود.

حضور اشخاصی که در امر کيفري دخیل هستند مطابق ماده ۱۴۳ قانون آيین دادرسي کيفري، در هنگام بازرسی منوط به اجازه متصرف است؛ اما چنانچه بازپرس حضور اشخاصی را برای تحقیق ضروري بداند، به دستور وي در محل حاضر مى شوند.

در صورتی که متصرف منزل و مكان و يا اشيای مورد بازرسی، از بازکردن محلها و اشيای بسته خودداری کند، بازپرس مى تواند دستور بازگشایي آنها را بدهد؛ اما تا حد امكان باید از اقداماتی که موجب ورود خسارت مى گردد، خودداری شود. در اين مورد در صورت ورود هر نوع خسارت و نيز صدور قرار منع يا موقوفي

تعقیب و یا حکم برائت، همچنین مواردی که امتناع کننده، شخص متهم نباشد، حسب مورد دولت، بازپرس و... مسئول جبران خسارت خواهد بود. این امر در ماده ۱۴۵ قانون و تبصره ذیل آن تصریح گردیده است.

#### ۶. بازرسی از خودروی شخصی

همان طور که پیشتر گفته شد یکی از موضوعاتی که در سال های مختلف محل نزاع تعیین حدود حریم خصوصی و حوزه اختیارات ضابطان دادگستری بوده، بازرسی و تفتیش خودرو است. در قانون آیین دادرسی کیفری سخنی از نحوه بازرسی خودرو ذکر نشده، لیکن با توجه به عموم و اطلاق موادی چون ماده ۵۵ می توان این امر را تابع حکم قضایی دانست. پیش از این نیز رأی شماره ۱۷۷ مورخ ۱۳۸۰/۵/۲۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ضمن بر Sherman ویزگی های حریم خصوصی، ورود به خودرو شخصی و تفتیش آن را تابع تقسیم بندی جرایم به مشهود و غیر آن دانسته و بازرسی بدون حکم قضایی در جرائم غیر مشهود به بهانه حریم خصوصی نبودن خودرو را رد کرده است و بر این اساس بخشش نامه شماره ۱۳۷۹/۴/۱۱ مورخ ۱/۱۷۹۰/۰۱/۴۰۲ اداره کل قوانین و امور حقوقی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران را ابطال نموده است.

با تصویب قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر در سال ۱۳۹۴ این موضوع بیش از پیش مورد بحث و تردید قرار گرفت. بر اساس ماده ۵ قانون مذبور: در اجرای امر به معروف و نهی از منکر نمی توان متعرض حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل و حریم خصوصی و حقوق اشخاص گردید، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

لیکن در تبصره ماده مذبور در تعریف اماکن غیر خصوصی، خودرو نیز شامل حریم خصوصی قلمداد نشده است و این امر مستمسکی گردید تا برخی افراد حتی ضابطان خاص مانند نیروی مقاومت بسیج بدون مجوز قضایی نسبت به بازرسی خودرو اشخاص اقدام کنند.

لیکن باید توجه نمود که موضوع دو قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر و آیین دادرسی کیفری متفاوت است. موضوع قانون نخست، تعریف

و نحوه اجرای این پدیده اسلامی و اجتماعی در راستای اصل هشتم قانون اساسی و حدود اقدامات و ضابطان آن و موضوع قانون دوم، دادرسی منصفانه و نیز وظایف ضابط دادگستری در این راستاست.

در قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، افراد عادی تنها در قالب امر به معروف و نهی از منکر قلبی، زبانی و نوشتاری حق مداخله داشته و برای وصف عملی این امور نیازمند گذراندن دوره آموزشی هستند.

علاوه بر این، منظور از منکر در نهی از منکر، الزاماً امور واجد وصف کیفری نیستند و هرگونه شعائر اسلامی و نحوه رعایت آن را در بر می‌گیرد و جنبه عملی این امر در موارد خاص وفق ماده ۳ قانون مزبور به عهده ضابطان مربوطه بوده و در این امر تنها علني بودن رفتار به نحوی که بدون تجسس نیز به طور علني مشخص باشد، کفایت می‌کند.

در حالی که ضابط دادگستری خاص (نیروی مقاومت بسیج) تنها در جرایم مشهود، رأساً و بدون حکم قضایی حق مداخله دارد که مصادیق جرایم مزبور به طور حصري در ماده ۴۵ پیش‌بینی شده و در این امر تفاوتی میان حریم خصوصی و غیرآن وجود ندارد.

در عین حال مداخله نیروی مقاومت بسیج در جرایم مشهود نیز به طور مطلق بوده و بسیجیان با توجه به قانون حمایت قضایی از بسیج، تنها در مواردی که ضابط دادگستری حضور نداشته یا اقدام به موقع نکند یا نیازمند کمک باشد، حق مداخله داشته و این اختیار نیز تنها به بسیجیان آموزش‌دیده دارای کارت ضابط خاص دادگستری اختصاص دارد.

لذا صرف نظر از آنکه موضوع در حریم خصوصی واقع شود یا خیر و صرف نظر از اینکه خودرو حریم خصوصی تلقی می‌گردد یا نه، تنها با تطبیق وضعیت با یکی از مصادیق ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری، ضابط دادگستری حق مداخله دارد و درخصوص ضابطین خاص، رعایت سایر شرایط نیز الزامی است.

۷. ضمانت اجرای عدم رعایت ضوابط قانونی در اقدامات ضابطین لازمه تحقق دادرسی منصفانه رعایت توأمان حقوق شاکی و متهم به ترتیب بر

حق دادخواهی و دفاع است و جهت اجرای این مهم و تضمین دادرسی منصفانه، اجرای قانون ضروری است. این امر در اجرای ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری تصریح گردیده و ماده ۴ قانون مزبور ضمن تأکید بر اصل برائت هرگونه اقدام محدود کننده، سالب آزادی، ورود به حریم شخصی اشخاص و... را جز به حکم قانون و با رعایت قوانین و مقررات مربوط غیر مجاز دانسته و حتی اجرای اقدامات قانونی را هم مستلزم رعایت کرامت و حیثیت اشخاص دانسته است.

برخلاف عدم پیش‌بینی ضمانت اجرای مناسب حقوق شهروندی افراد در فرآیند دادرسی منصفانه در قوانین پیشین، در قانون جدید به کرات بر این مهم تأکید شده است. وفق ماده ۷ قانون مزبور، در تمام مراحل دادرسی کیفری رعایت حقوق مندرج در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵» از سوی کلیه اشخاص درگیر فرآیند دادرسی از جمله ضابطان دادگستری الزامی است. در بند نخست قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، به رعایت قوانین و لزوم أخذ حکم قضایی لازم در کشف و تحقیق جرائم تأکید گردیده و هرگونه اعمال سلیقه شخصی و سوءاستفاده از قدرت منع شده است. متخلفان بر اساس ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری، علاوه بر جبران خسارت وارد به مجازات مندرج در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ محکوم می‌گردد و اگر در سایر قوانین، کیفر شدیدتری برای این موضوع پیش‌بینی شده باشد، مجازات اشد اعمال می‌شود.

ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مقرر می‌دارد:

«هریک از مقامات و مأمورین دولتی که برخلاف قانون آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید علاوه بر انفال از خدمت و محرومیت سه تا پنج سال از مشاغل دولتی به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»

علاوه بر مجازات کیفری وفق ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری، ضابط دادگستری مخالف از مواد قانونی از جمله ماده ۵۵ که ناظر بر لزوم أخذ مجوز قضایی در تفتیش و بازرسی در جرایم غیرمشهود است به انفال از خدمات دولتی

از سه ماه تا یک سال محکوم می‌گردد.

این امر به همراه جبران خسارت متهم بی‌گناه که حسب مورد با حکم برائت یا قرار منع تعقیب موافق گردیده، ضمانت اجرای مناسبی جهت تضمین حقوق شهروندی آحاد ملت است.

توضیح ضروری آنکه قاعده «لاضرر» و قواعد «اتفاق» و «تسبیب» مبنای برقراری مسئولیت مدنی برای اشخاصی است که موجب ورود خسارت به زیان دیده می‌شوند و قضات و ضابطین دادگستری نیز از این امر مستثنی نیستند و هرگاه بر اثر اقدامات مبتنی بر تقصیر یا عمد ایشان، خسارت به تن، حیثیت، مال و... اشخاص وارد شود، این افراد دارای مسئولیت مدنی هستند.

به موجب بند ۱۴ اصل دوم قانون اساسی دولت موظف است حقوق همه‌جانبه افراد ملت را تأمین کند و امنیت قضایی عدلانه برای عموم مردم و مساوات در برابر قانون را برای همگان حفظ و تأمین نماید و بر اساس اصل بیست و دوم، حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند. با عنایت به اصول ۳۲ تا ۳۹ این قانون که ناظر بر اصول دادرسی، دادخواهی، برائت، منع دستگیری خودسرانه، منع شکنجه و... می‌باشند می‌توان به اهمیت جان، مال، آبرو، حیثیت و آزادی تن اشخاص در نظام حقوقی ایران پی برد. این امر در اسناد بین‌المللی مانند بند ۶ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۱۰ کوانسیون آمریکایی حقوق بشر نیز تصریح گردیده است.

با توجه به احکام فوق، جبران زیان‌های وارده مشروط به تحقق امور ذیل است:  
اولاً باید رأی، قطعی شده و امکان بررسی مجدد آن از روش‌های عادی اعتراض به آراء، منتفی باشد. مقصود از حکم قطعی، صدور قرار منع تعقیب به موجب ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری و یا صدور حکم برائت است. هرچند امکان اعتراض به رأی از طرق فوق العاده همچنان وجود داشته باشد.

شایان ذکر است صدور قرار منع تعقیب به دلیل جرم نبودن عمل ارتکابی واجد اعتبار امر مختوم کیفری بوده لکن صدور این قرار به علت عدم انتساب جرم به متهم یا عدم کفایت ادله تا یکبار وفق ماده ۲۷۸ قانون مزبور، امکان طرح مجدد

موضوع را در پی دارد. هرچند برخی میان صدور حکم برائت و قرار منع تعقیب در لزوم جبران خسارات وارده بر متهم بی‌گناه قائل به نفکیک شده‌اند و بر اساس آن، برخی از نظام‌های حقوقی، صدور قرار مزبور را از موارد جبران خسارت دانسته‌اند و برخی، صدور آن را برابر با اثبات برائت فرد ندانسته‌اند؛<sup>۱</sup> لکن به نظر می‌رسد با توجه به اعتبار امر مختوم یافتن قرارهای منع تعقیب جز در موارد صدور آن به اعتبار فقدان ادلّه، تفاوتی میان این قرار و حکم برائت قطعی وجود نداشته باشد و هر دو تابع احکام واحدی در حوزه جبران خسارات ناشی از اقدام قضایی باشند.

**ثانیاً** محکوم علیه از طریق اجرای حکم مزبور یا در فرآیند دادرسی، متهم زیان مادی یا معنوی شده باشد. برای مثال در مانحنفیه باید ثابت گردد که برای اقدام ضابطان، زیان مادی یا معنوی از قبیل پرداخت حق الوکاله وکیل، هتك حیثیت و ... به متهم یا متهمنان تحمیل گردیده و رابطه سببیت میان خسارات مزبور با اقدامات ضابطان برقرار است.

در راستای اجرای تعهدات ایران در الحق به میثاق حقوق مدنی و سیاسی، مواد ۲۵۵ تا ۲۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، به وضع قواعد جبران خسارت از متهمی پرداخته که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت از سوی ضابطین یا مقام قضایی بازداشت شده نسبت به اتهام وی از سوی مراجع قضایی، حکم برائت یا منع تعقیب صادر می‌شود. بر این اساس وی می‌تواند با رعایت ماده (۱۴) این قانون، خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند.

البته هرگاه بازداشت شخص، ناشی از خودداری در ارائه اسناد، مدارک و ادلّه بی‌گناهی خود باشد؛ یا وی به منظور فراری دادن مرتكب جرم، خود را در مظان اتهام و بازداشت قرار داده باشد؛ یا به هر جهتی به ناحق موجبات بازداشت خود را فراهم نموده باشد؛ و نیز هرگاه هم‌زمان به علت قانونی دیگر بازداشت باشد، بر اساس ماده ۲۵۶، امکان جبران خسارت وجود ندارد.

جهت بهره‌مندی از این حق، متهم باید طرف شش‌ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی حاکی از بی‌گناهی خود، درخواست جبران خسارت را به کمیسیون استانی، مشکل از سه نفر

۱. ناصرزاده، هوشنگ، «جبران خسارت ناشی از بازداشت متهم بی‌گناه»، مجله حقوقی دادگستری،

شماره ۹، ۱۳۷۲، ص ۶

از قضات دادگاه تجدیدنظر استان به انتخاب رئیس قوه قضاییه تقدیم کند. کمیسیون در صورت احراز شرایط مقرر در این قانون، حکم به پرداخت خسارت صادر می‌کند. البته در صورت رد درخواست، این شخص می‌تواند ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ، اعتراض خود را به کمیسیون موضوع ماده ۲۵۸ این قانون اعلام کند.<sup>۱</sup>

رسیدگی به این اعتراض، در کمیسیون ملی جبران خسارت مشکل از رئیس دیوان عالی کشور یا یکی از معاونان وی و دو نفر از قضات دیوان عالی کشور به انتخاب رئیس قوه قضاییه به عمل می‌آید که رأی آن، قطعی است.

مسئول جبران خسارت مزبور، دولت است و به این منظور صندوقی در وزارت دادگستری تأسیس می‌شود که بودجه آن هرسال از محل بودجه کل کشور تأمین می‌گردد. هرگاه بازداشت بر اثر اعلام مغرضانه جرم، شهادت کذب و یا تقصیر مقامات قضایی باشد، دولت پس از جبران خسارت می‌تواند به مسئول اصلی مراجعه کند.<sup>۲</sup>

علاوه بر این شخصی که به موجب حکم قطعی، برائت حاصل کند، می‌تواند وفق ماده ۵۱۲ قانون مزبور، حداکثر ظرف ششماه از تاریخ ابلاغ رأی، از دادگاه صادر کننده حکم نخستین درخواست نماید که حکم برائت از محل اعتبارات مربوط به قوه قضاییه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر شود.

### نقد رأی

همان‌گونه که پیشتر گفته شد در پرونده مطروحه در شعبه ۶۳۳ دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۶ مشهد، ضابطان بسیجی در حین گشتزنی به خودروی متهمین مظنون شده و جهت رفع ظن، خودرو را بازرسی می‌کنند و یک بطری مشروب از زیر صندلی خودرو و یک افسانه فلفل خالی از داخل کوله‌پشتی یکی از متهمین کشف کرده‌اند؛ لذا در صورتی احراز شرایط ذیل، وسائل کشف شده از اتومبیل به عنوان دلایل جرم علیه متهمین قابل استفاده هستند:

الف. از طریق یکی از مصادیق مندرج در ماده ۴۵، وضعیت به عنوان جرم مشهود شناخته شود. برای مثال جرم در مرعی و منظر ضابطان اتفاق افتاده

۱. ماده ۲۵۷ قانون آینین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

۲. ماده ۲۵۹ همان قانون.

یا بلافضلله پس از وقوع جرم، علایم و آثار واضحه یا اسباب جرم نزد متهم یافت شود ... که در مانحن فیه با توجه به کشف وسائل از زیر صندلی و داخل کوله پشتی، این وضعیت منتفی است و گزارشی نیز در خصوص شرایط خاص متهمین مثل مستی یا رفتار ناهنجار در دست نیست.

ب. جرم غیرمشهود بوده و مجوز قضایی در این خصوص صادر شده باشد که این امر نیز با توجه به منطق قرار، منتفی است.

پ. ضابطان بسیجی به جهت عدم حضور ماموران نیروی انتظامی، عدم اقدام به موقع ایشان یا استمداد از سوی ضابطان دیگر به کمک آمده باشند که در این خصوص نیز گزارشی ارائه نشده است.

ت. درنهایت آنکه بسیجیان مجبور باید دارای کارت ضابطی بوده و آموزش های لازم را گذرانده باشند. به نظر می رسد با توجه به آنکه ایشان در حال گشتزنی بوده اند، لذا پیشتر برای این امر آموزش دیده و به مأموریت اعزام شده اند. هرچند این موضوع نیز باید اثبات گردد.

در صورت رعایت کلیه نکات فوق، گزارش ضابطان واجد اعتبار بوده و می تواند مبنای علم قضی و اصدر قرار جلب به دادرسی و متعاقب آن، محکومیت متهمین قرار گیرد.

لکن همان گونه که در رأی صادره نیز به درستی تصریح شده است نحوه بازرسی خودرو و کشف وسائل ممنوعه، با توجه به غیرمشهود بودن جرم بدون رعایت ضوابط قانونی و اخذ مجوز از مرجع ذی صلاح صورت گرفته و این امر با مواد ۳۶ و ۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری انطباق ندارد؛ لذا استدلال مندرج در قرار دائر بر لزوم قانونی بودن شیوه تحصیل دلیل، صحیح بوده و آن بخش از قرار که به بی اعتباری گزارش ضابط و خروج آن از عدد دلایل تصریح می کند و نیز صدور قرار منع تعقیب به دلیل فقدان ادلہ دیگر با استناد به مواد ۲، ۴، ۷ و ۶۱ آیین دادرسی کیفری و نیز احکام ناظر بر قاعده درأ در قانون مجازات اسلامی صحیح می باشد.

توضیح آنکه وفق ماده ۳۶ قانون فوق، گزارش ضابطان در صورتی معتبر است که اولاً خلاف اوضاع و احوال و قرائن مسلم قضیه نباشد و ثانیاً براساس ضوابط و مقررات

قانونی، تهیه و تنظیم شود. در پرونده حاضر، ضوابط قانونی ناظر بر حدود اختیارات ضابطین در تفتيش اماکن و اشياء نسبت به جرایم غيرمشهود رعایت نشده است؛ لذا قاضی محترم عدم اعتبار گزارش ضابطان را به درستی تشخيص داده‌اند. مع الوصف همان‌گونه که پیشتر گفته شد عدم رعایت ضوابط ناظر بر گردآوری ادله، مستوجب مسئولیت کیفری، انتظامی و مدنی به شرح پیش‌گفته می‌باشد. درنتیجه اکتفا به ابطال گزارش و صدور رأی برای متهمین وافی به مقصود نبوده و ضروری است در کنار آن به مسئولیت‌های قانونی ضابطان و نیز نحوه جبران خسارت متهم بی‌گناه تصريح گردد.

لذا هرچند در رأی حاضر، اشاره‌ای به زیان‌های واردہ بر متمهمن بر اثر اقدامات غیرقانونی ضابطان نشده لکن جبران خسارات مادی از قبیل پرداخت منافع ممکن الحصول، هزینه‌های مربوط به حق‌الوکاله و کیل تعیینی و ... و نیز جبران خسارت معنوی از قبلی اعاده حیثیت از متهم بی‌گناه از طریق درج حکم در روزنامه‌های کثیرالانتشار وفق ماده ۵۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری امکان‌پذیر است.

### نتیجه

تحقیق دادرسی منصفانه مستلزم رعایت حق شاکی بر دادخواهی و حق متهم بر دفاع است. ضابطان دادگستری که اعم از نیروی انتظامی و ضابطان خاص مانند نیروی مقاومت بسیج می‌باشند به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل دستگاه قضایی با حقوق شهروندی افراد مبنی بر بهره‌مندی از دادرسی منصفانه در ارتباط هستند. نیروی مقاومت بسیج به شرط گذراندن دوره‌های آموزشی و دریافت کارت ضابط و به شرط عدم وجود ضابطان عام یا عدم اقدام به موقع ایشان و یا استمداد، دارای اختیار مداخله در کشف جرم، تعقیب یا تحقیق از متهم بوده و حسب مورد در جرایم مشهود به شرح مصادیق مندرج در ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری، حق هرگونه بازرگانی و تحقیق، تحت نظر قرار دادن متهم و... را داشته و در جرائم غیر مشهود نیز بر اساس حکم قضایی اقدام می‌کنند.

بازرگانی از خودرویی که واجد هیچ‌یک از شرایط مندرج در ماده ۴۵ مذبور نمی‌باشد نیازمند کسب مجوز قانونی بوده و به صرف آنکه فضای داخل آن قابل روئیت بوده و

جزء حریم خصوصی نمی‌باشد، نمی‌توان به بازرگانی خودروی مزبور بدون مجوز قانونی اقدام نمود.

در صورت عدم رعایت ضوابط قانونی در بازرگانی خودرو، علاوه بر بی اعتباری گزارش ضابط به استناد به ماده ۳۶ قانون آینین دادرسی کیفری و نیز صدور قرار منع تعقیب یا حکم برایت برای متهم پرونده، باید ضابط متخلف واجد مسئولیت کیفری به علت عدم رعایت ضوابط قانونی مندرج در ماده ۵۵ قانون مزبور برای بازرگانی و تفتیش و نیز نقض حقوق شهروندی افراد به استناد ماده ۷ قانون مزبور و همچنین واجد مسئولیت مدنی برای جبران خسارات واردہ بر فرد بی‌گناه شناخته شود. تصریح آراء قضایی صادره از محاکم بر این امور، گامی جدی جهت اجرایی نمودن دادرسی منصفانه و الزام ضابطان دادگستری به رعایت حقوق شهروندی است.

## فهرست منابع

### قواینین

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲. قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۶۷/۸/۳ و اصلاحات بعدی.
۳. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.
۴. قانون نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹.

### کتاب‌ها و مقاله

۵. آخوندی، محمود، (۱۳۷۵) آیین دادرسی کیفری، جلد اول، انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶. آشوری، محمد، (۱۳۷۵) آیین دادرسی کیفری، جلد ۱، انتشارات سمت، چاپ اول.
۷. اعلامیه جهانی بشر و شهروند.
۸. خالقی، علی، (۱۳۹۴) آیین دادرسی کیفری، انتشارات مجد، چاپ اول.
۹. عباسی، عاطفه، (۱۳۹۴) آیین دادرسی کیفری، انتشارات شهردانش.
۱۰. عباسی، عاطفه، (۱۳۹۴) بار اثبات دعوای کیفری، انتشارات مجد، چاپ اول.
۱۱. ناصرزاده، هوشنگ، (۱۳۷۲) «جبران خسارت ناشی از بازداشت متهم بی‌گناه»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۹.
12. Declaration on the promotion of patients' rights in Europe.
13. Barkay A, Tabak N. Elderly residents' participation and autonomy within a geriatric ward in a public institution. Int J Nurs Pract. 2002.
14. Burgoon J. Privacy and communication. Communication Yearbook. 1982.
15. Collette J. Role demands, privacy and psychological well-being. Int J Soc Psychiatry. 1984.

16. Gardner R, Lundsgaarde H. Evaluating of user acceptance of a clinical expert systems. J Am Med Inform Assoc. 1994.
17. Moehr JR. Informatics in the service of health, a look to the future. Methods INF Med. 1998.
18. Schwartz B. The social psychology of privacy. AJS. 1968.
19. Wild, Susan Ellis, Webster's New World Dictionary, law dictionary, Wiley publishing, New York: 2006.